

نقش شهید مزاری در احیای مرجعیت شیعه در افغانستان



□ محمد حسین فیاض

نجف بانوشتن مهم‌ترین اثر علمی در اصول فقه (کفایه الاصول)، افتخار دیگری را برای جهان تشیع آفرید. البته ملا فیض محمد کاتب هزاره به عنوان یک عالم وظیفه‌شناس که بر فقه فریقین تسلط داشت، با نگاشتن «سراج التواریخ» به احیای هویت پرداخت و از آن‌چه بر مردم هزاره رفته بود را، ثبت تاریخ کرد. پس از کاتب، ملا افضل ارزگانی و ده‌ها عالم دیگر، نسل بعدی عالمان شیعه از افغانستان به نجف رفتند و با کوله‌باری از علم و تخصص در فقه و اصول و دیگر رشته‌های حوزوی به کشور باز گشتند. آنان حدود نیم قرن با تأسیس مدارس و حوزات علمیه، مشغول خدمات آموزشی، تبلیغی و اجرایی شدند؛ اما هیچ‌یک از آنان

خراسان بزرگ با پیشینه تاریخی اش، یکی از کشورهای اسلامی است که در آن، فقه و اجتهاد جایگاه بسی بزرگ داشته است. نخستین تهداب برج فقاها با نام نامی «ابو خالد کابلی» از اصحاب اسرار امام زین العابدین (ع) گذاشته شد. حفظ و مراقبت از این برج و بارو توسط شیعیان و عالمان دین ادامه یافت و با مرجعیت ملا محمد کاظم، آخوند هروی خراسانی (۱۲۵۵-۱۳۲۹ق) و نوشتن «کفایه الاصول» توسط او، مستحکم شد. آخوند خراسانی در زمان قتل عام مردم هزاره توسط امیر عبدالرحمان خان در عراق زندگی می‌کرد. وی پس از رحلت میرزای شیرازی بارسنگین مرجعیت را به دوش گرفت و با رهبری حوزه علمیه



باتوجه به شرایط افغانستان فقط توانست حسینیه بزرگ چنداول و زیارت سخی را ساخته و به تدریس بپردازد. (۱) البته باتوجه به این که افغانستان به تازگی عضویت سازمان ملل متحد را به دست آورده بود (۲) و نیازمند این بود یکسری آزادی‌ها به شیعیان بدهد، آیت‌الله حجت با استفاده از این فرصت، مراسم مذهبی شیعیان را علنی کرد. ظاهرشاه، پادشاه افغانستان به آیت‌الله حجت گفته بود: «دیگر محدودیت‌های قبلی علیه شیعیان وجود ندارد و او آزاد است تمام مراسم مذهبی شیعیان را آزادانه برگزار کند»؛ (۲) اما این اقدام آیت‌الله حجت به عنوان یک نهضت مطرح شده و از سوی برخی نویسندگان، لقب «احیاگر تشیع در افغانستان» به ایشان داده شد. آیت‌الله حجت، نیم قرن در کابل زیست (داوودی، ج ۱، ۶۶). و هیچگاه به فکر مرجعیت نیفتاد؛ زیرا زمانه و شرایط برای او فراهم نبود.

۲. آیت‌الله محمدعلی انصاری مالستانی (۱۲۷۹ - ۱۳۵۰ ش)

ایشان یکی از مراجع بزرگ افغانستان است که پس از آخوند خراسانی، رساله چاپ کرد و شاید گفت اولین کسی است که با نام و هویت افغانستانی و قومی خود رساله عملیه نوشت. آیت‌الله مالستانی نیز تحصیل کرده حوزه علمیه نجف بود و از مراجع بزرگ نجف، گواهی اجتهاد داشت. زمانی که به مشهد آمد، براساس تقاضای روحانیون و مردمی که خواستار چاپ رساله عملیه او بودند، «مصباح الأنام فی مسائل الحلال و الحرام» را در بخش عبادات، در ۳ شعبان ۱۳۷۳ هـ. ق در چاپخانه خراسان به چاپ رساند و به عنوان مرجع تقلید به تنظیم امور دینی مردم پرداخت.

عده‌ای از روحانیون با تشکیک در اجتهاد او، این مسئله را علت مخالفت خود قلمداد کردند. جمعی دیگر هم مسائل طایفه‌ای و منطقه‌ای را بهانه قرار دادند. کار به جایی رسید که عده‌ای از بزرگان خاوری مشهد نزد آیت‌الله میلانی، از مراجع تقلید و رئیس حوزه علمیه خراسان رفتند و از اجتهاد آیت‌الله مالستانی جويا شدند. میلانی ضمن تأیید اجتهاد ایشان، به آنان

با این که بیشترشان گواهی اجتهاد از مراجع نجف را داشتند، تصور اعلام مرجعیت را نداشتند. بنابراین، هرکدام از مراجع نجف نیابت داشته و اجازه مصرف جوهرات را داشتند که توسط آن مدارس تحت پوشش خود را اداره می‌کردند.

اما در آغاز دهه هفتاد سده جاری، رهبر شهید استاد مزاری با حمایت سیاسی از مرجعیت آیت‌الله محقق کابلی، تابوی عدم خودباوری در این راستا را شکست و این اعتماد به نفس و اطمینان را برای فقهای افغانستانی ایجاد کرد که آنان هم می‌توانند رساله عملیه داشته باشند و رهبری معنوی مردم خود را به عهده بگیرند.

برای این که موضوع به خوبی روشن و تبیین شود، زندگی‌نامه چند تن از فقهای معاصر را مرور می‌کنیم تا نقش رهبر شهید را به صورتی تطبیقی ببینیم.

۱. آیت‌الله سید میرعلی احمد حجت (۱۲۶۸ - ۱۳۵۳ ش)

آیت‌الله حجت در کابل به دنیا آمد. در حوزات علمیه مشهد، قم و نجف درس خواند و سرانجام در سال ۱۳۰۴ خورشیدی از نجف به افغانستان برگشت. این، در حالی بود که از آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی، گواهی اجتهاد را داشت؛ اما وی

در آغاز دهه هفتاد سده جاری، رهبر شهید استاد مزاری با حمایت سیاسی از مرجعیت آیت‌الله محقق کابلی، تابوی عدم خودباوری در این راستا را شکست و این اعتماد به نفس و اطمینان را برای فقهای افغانستانی ایجاد کرد که آنان هم می‌توانند رساله عملیه داشته باشند و رهبری معنوی مردم خود را به عهده بگیرند.

توصیه کرده بود اگر از ایشان تقلید کنید، حکمش نیز ساده است.

آیت الله مالستانی پس از به وجود آمدن اختلاف و دو دستگی میان روحانیون و مردم، از ماندن در خراسان چشم پوشید و دوباره به نجف اشرف بازگشت. ایشان تا آخر عمر در شهر نجف اشرف به سربرد و در ۸ جمادی الآخر ۱۳۹۱ هـ.ق در آن جا درگذشت (اعتمادی، ۹۱) و در صحن امیرالمومنین^(ع) در حجره ۳۵ دفن شد (الفتاوی، ج ۱، ۳۲۰).

۳. آیت الله محمدعلی مدرس افغانی (متولد ۱۲۸۴ - ۱۳۶۵ ش)

آیت الله مدرس افغانی، در کودکی به ایران آمد و در مشهد مقدس دروس حوزوی را آغاز کرد و در سال ۱۳۰۴ رهسپار حوزه علمیه نجف شد. او در نجف از محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، سید محسن حکیم، ضیاء الدین عراقی، محمدحسین نائینی، محمدحسین کاشف الغطاء، سید ابوالقاسم خویی و محمدعلی کاظمی کسب فیض کرد. پس از کسب گواهی اجتهاد از مراجع نجف، در سال ۱۳۱۸ ش، به دستور آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی راهی افغانستان شد تا مصدر خدمت مردم خود قرار گیرد؛ اما شهرت او از اُلسوالی جاغوری فراتر نرفت. آیت الله مدرس در قریه خاربید، زادگاه خود مدرسه علمیه ساخت و به دشواری توانست

آیت الله محقق کابلی، در سال ۱۳۷۲ ش، بنا بر پیشنهاد و حمایت سیاسی، اجتماعی شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری، رهبر «حزب وحدت اسلامی افغانستان» اعلام مرجعیت کرد و رساله عملیه خود را بیرون داد.

مدت پنج سال با فقر و کمبودی امکانات بسازد و سرانجام از شدت فقر پس به حوزه علمیه نجف برگشت. در نجف بر کرسی تدریس نشست و آوازه تدریس و تسلط او بر ادبیات عرب، جهان تشیع را در نوردید. در سال ۱۳۵۲ در اثر فشار رژیم بعث مجبور به ترک عراق شد و محفل درس خود را در قم رونق داد.

آیت الله مدرس با وجود داشتن اجازه اجتهاد از مراجع نجف، در قم فروتنانه تدریس مقدمات را در برابر هزینه هایی که از طلاب می گرفت، شروع کرد و سرانجام در سال ۱۳۶۵ ش، غریبانه در قم درگذشت (داوودی، ج ۱، ۱۷۷).

۴. آیت الله سید سرور واعظ (۱۲۹۵ - ۱۳۵۸ ش)

آیت الله واعظ، در کجاب بهسود چشم به جهان گشود. تحصیلات حوزوی را در کابل و سپس در نجف اشرف پی گرفته در درس های خارج فقه و اصول آیت الله سید محسن حکیم و آیت الله سید ابوالقاسم خویی شرکت کرد. او از شاگردان برجسته آیت الله خویی بود و کتاب وزین «مصباح الاصول» را نوشت که تاکنون به عنوان منبع گرانسنگ در حوزات علمیه به شمار می رود.

آیت الله واعظ پس از کسب گواهی اجتهاد از آیت الله حکیم و آیت الله خویی، به دستور آیت الله حکیم (همان، ۲۰۲) در سال ۱۳۳۳ ش، عازم افغانستان شد. پس از اقامت در کابل و تأسیس «مدرسه محمدیه» در تپه سلام شهر کابل، تدریس علوم حوزوی را شروع کرد و برای بالابردن سطح آگاهی مردم، ماهنامه «برهان» را منتشر کرد. فعالیت های او در همین حد ماند تا این که توسط حفیظ الله امین، رئیس جمهور خلقی وقت، به شهادت رسید. (۳)

۵. آیت الله شیخ قربان علی محقق کابلی (۱۳۰۷ - ۱۳۹۸ ش)

آیت الله العظمی محقق کابلی، فرزند مرحوم محمدرضا در سال ۱۳۰۷ ش، برابر با ۱۳۴۶ ق، در قریه «دهن کاریز» دره ترکمن، از توابع ولایت پروان افغانستان واقع در شمال غرب کابل دیده به جهان گشود. برای ادامه



فرهنگی و تعلیمی بود و زمینه را برای اعلام مرجعیت خود فراهم نمی‌دید؛ اما در سال ۱۳۷۲ این زمینه را رهبر شهید برایش فراهم کرد که اگر چنین زمینه فراهم نمی‌شد، نه ایشان به فکر اعلام مرجعیت بود و نه علمای شیعه افغانستان چنین خودباوری را داشتند تا مرجعیت شیعیان این خطه را به عهده گیرند؛ چنان‌که پیش از ایشان مجتهدان زیادی از حوزات علمیه به این دیار بازگشته بودند و در این مقاله اشاره کوتاهی به موضوع صورت گرفت.

مرجعیت آیت‌الله العظمی کابلی، آثار و برکات زیادی برای شیعیان افغانستان داشت؛ چنان‌که ده‌ها مساجد، مدرسه علمیه، حسینیه، مجتمع‌های فرهنگی به همت و اشراف ایشان ساخته شد. سرانجام این مرد الهی در سپیده‌دم ۶ شوال ۱۴۴۰ق، مطابق با ۲۰ جوزای ۱۳۹۸ش در شهر قم در گذشت و در حرم کریمه اهل بیت^(ع) آرام گرفت.

۶. آیت‌الله محمد اسحاق فیاض (۱۳۰۹ش)

آیت‌الله محمد اسحاق فیاض از طایفه جعفر علی چوره ساکن در شیرداغ مالستان در سال ۱۳۰۹ش، چشم به جهان گشود. پس از کسب دروس مقدماتی در مکتب‌خانه، به مدرسه علمیه آیت‌الله «قریان علی وحیدی» واقع در اوت قول انگوری رفت و با صرف و نحو عربی پیشرفته، منطق و فقه آشنا شد. بنابراین نوشته استاد علی زاده، مدتی نیز نزد کربلایی کلان در لعل چک مالستان درس خواند و بعد رهسپار مشهد

بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

تحصیل علوم اسلامی وارد حوزه علمیه کابل گردید و سطوح متوسطه را فراگرفت.

در سال ۱۳۳۲ش، راهی نجف اشرف شد و از محضر آیات عظام عبدالعلی سبزواری، کاظم تبریزی، عبدالحسین رشتی، محمد تقی آل‌رازی، صدرا بادکوبه‌ای و مجتبی قزوینی، کتب وزین رسائل، مکاسب و سطوح عالییه را فراگرفت و در محضر آیت‌الله حاج شیخ عباس قوچانی، فلسفه را آموخت. حضور در کلاس درس خارج اصول آیات عظام محسن حکیم، ابوالقاسم خویی، حسین حمادی و حسین حلی (رضوان‌الله‌علیهم) از فیوضات علمی، معنوی و مشی عملی آنان بهره‌های شایان و ره‌توشه‌های کم‌نظیری به دست آورد.

معظم‌له از سال ۱۳۳۷ به بعد از محضر حضرت آیت‌الله العظمی خویی و حضرت امام خمینی درس خارج فقه را فراگرفت و به گواهی آیت‌الله خویی، ملقب به «رکن الاسلام» شده و به درجه رفیع اجتهاد نائل آمد. آیت‌الله کابلی، پس از نوزده سال تحصیل در نجف اشرف و تهذیب نفس در کنار بارگاه ملکوتی مولی‌الموحدین علی بن ابیطالب^(ع)، به تاریخ ۱۳۵۱/۳/۱۷ش، به کابل مراجعت و «مدرسه علمیه جامعه الاسلام» را تأسیس کرد. این مدرسه، پناهگاه طلاب روشن و مبارز بود. آیت‌الله کابلی در حوزه علمیه نجف، کابل و قم در مجموع به مدت پانجاوهفت سال به تدریس، تعلیم و تربیت شاگردان توانا، ترویج علوم و معارف اسلامی و فقه آل محمد^(ص) پرداخت و ده‌ها آثار پژوهشی در موضوع فقه و اصول از خود به یادگار گذاشتند (داوودی، ج ۱، ۱۶۹).

آیت‌الله محقق، در سال ۱۳۷۲ش، بنا بر پیشنهاد حمایت سیاسی، اجتماعی مرحوم شهید عبدالعلی مزاری، رهبر «حزب وحدت اسلامی افغانستان» اعلام مرجعیت کرد و رساله عملیه خود را بیرون داد. مرجعیت ایشان با استقبال بی‌نظیر شیعیان افغانستان روبه‌رو شد. این، در حالی بود که آیت‌الله محقق، بیست و یک سال پیش پس از برگشتن از حوزه علمیه نجف، مانند یک عالم تراز اول شیعه در افغانستان، مشغول کارهای

مرجعیت آیت‌الله العظمی کابلی، آثار و برکات زیادی برای شیعیان افغانستان داشت؛ چنان‌که ده‌ها مساجد، مدرسه علمیه، حسینیه، مجتمع‌های فرهنگی به همت و اشراف ایشان ساخته شد.

مقدس شد. در مشهد از محضر بزرگان و استادان برجسته حوزه کسب فیض کرد. بعد از چند سال سکونت در مشهد، به حوزه علمیه نجف کوچید و از محضر بزرگان علم و اجتهاد و در رأس آنان، آیت الله العظمی خویی بهره برد تا به درجه اجتهاد دست یافت.

آیت الله العظمی فیاض سالها است از بزرگان حوزه علمیه نجف و از مراجع بزرگ تقلید شیعه است. ایشان مجتهدی توانمند و پرتلاش است که افزون بر سالها تدریس و تربیت شاگردان فراوان، آثار علمی گران سنگی در بخش فقه و اصول تقدیم جامعه کرده است. برخی از این آثار به این شرح است: (محاضرات فی اصول الفقه در ۱۰ جلد که ۵ جلد آن به چاپ رسیده است؛ الاراضی؛ النظرة الخاطفه فی الاجتهاد؛ تعالیق مبسوطه علی العروه الوثقی در ۱۰ جلد؛ احکام البنوک؛ منهاج الصالحین در ۳ جلد؛ المباحث الاصولیه در ۱۴ جلد؛ مناسک الحج؛ توضیح المسائل و منتخب توضیح المسائل به زبان فارسی؛ موقع المرآة فی النظام السیاسی الاسلامی؛ المسائل الشرعیة؛ مائه سؤال و سؤال حول الکتابه و الکتاب و المکتبات؛ بیانات و توجیهاات؛ منهج الحکومه الاسلامیه؛ مسائل المستحدثه).

حضرت آیت الله فیاض در مسائل سیاسی و اجتماعی، دیدگاهی نو دارد که از آن جمله می توان به داشتن حق قضاوت، اجتهاد و ریاست جمهوری بانوان اشاره کرد. ایشان در ساخت شفاخانه، کتابخانه و مساجد در مناطق محروم هزارستان نیز گام هایی بلند برداشته است (کیانی و دیگران، ج ۱، ۳۸۲).

شاگرد پرآوازه و توانمند آیت الله خویی، پس از رحلت استادش، کرسی تدریس خارج فقه و اصول را در حوزه نجف گرم نگه داشت و کتاب های گرانسنگی را نوشت. با این که گفته شده است، آیت الله خویی، پس از خود، ایشان را به عنوان مرجع معرفی کرد؛ اما به دلایل نامعلوم ایشان از تصدی مقام مرجعیت خودداری کرد. آیت الله خویی در سال ۱۳۷۱ رحلت کرد و آیت الله فیاض مانند یک استاد توانمند حوزه به تدریس خود ادامه داد.

پس از پانزده سال از مرجعیت آیت الله محقق،

سرانجام آیت الله فیاض هم رساله عملیه خود را بیرون داد و اعلام مرجعیت کرد؛ در حالی که او باید سالها پیش این کار را انجام می داد. دلیلش هم روشن بود و او به خوبی دریافته بود که شرایط برای او فراهم نیست. عراق در دست صدام است و پس از صدام هم تا سالها اوضاع آشفته بود و با افغانستان هم ارتباط لازم برقرار نیست. مهم تر از همه پس از اعلام مرجعیت آیت الله محقق، راه را برای خود هموار دید تا اعلام مرجعیت کند.

۷. آیت الله محمد آصف محسنی (۱۳۱۴ ش)

آیت الله محسنی، شاگرد توانمند دیگر آیت الله خویی است که در بخش رجال، تخصص استادش را به دست آورده و در موضوعات مختلف دهها کتاب تألیف کرده است. ایشان در قندهار به دنیا آمد و در قندهار و سپس در اوت قول جاغوری در مدرسه آیت الله شیخ قربان علی وحیدی درس خواند و در سال ۱۳۳۵ ش راهی نجف اشرف شد. در نجف از مراجعی چون آیت الله سید محسن حکیم و آیت الله خویی کسب فیض کرده و به درجه اجتهاد دست یافت.

آیت الله محسنی نیز در اوایل دهه پنجاه به افغانستان برگشت و در قندهار مدرسه علمیه تأسیس کرد. ایشان نیز مانند دیگر علمای افغانستان فکر مرجعیت را به سر نداشت؛ اما در آغاز جهاد انتظار داشت مردم شیعه او را به رهبری برگزینند. با وجود این انتظارات و تلاش، ایشان توانست در حد رهبری حزب «حرکت اسلامی افغانستان» باقی بماند.

آیت الله محسنی برای این که به یاد مردم بیندازد او مجتهدی از نجف برگشته است، در اوایل دهه شصت «توضیح المسائل جنگی» را نوشت تا از مرجعیت خود سخن بگوید (داوودی، ج ۱، ۱۶۴). محسنی در مسائل سیاسی فراز و فرودهای زیادی داشت که تقریباً آنزوی سیاسی او را در پی داشت؛ اما او در حکومت پساتالبانی با تأسیس مدرسه علمیه و دانشگاه خاتم النبیین، راه اندازی تلویزیون و پژوهش های وزینی چون «مشرعة البحار» شخصیت تخریب شده اش را تا حدودی بازسازی کرد؛ اما

هیچ‌گاه نتوانست اعلام مرجعیت کند.

۸. آیت‌الله محمد امینی یکه‌ولنگی (۱۳۱۶ش)

آیت‌الله امینی نیز در نجف تحصیل کرده است و به گواهی اجتهاد دست یافته است. ایشان در سال ۱۳۸۸ش، اعلام مرجعیت کرد و رساله عملیه‌اش را منتشر کرد (دانشنامه هزاره، ۶۴۶).

۹. آیت‌الله محمدباقر موحدی نجفی (لعلی) (۱۳۳۴ش)

آیت‌الله موحدی نیز تحصیل کرده حوزه علمیه نجف و دارای آثار فقهی، تفسیری است. در چند شهر ایران و افغانستان دارای دفتر است و به امور دینی، فرهنگی و اجتماعی مردم می‌پردازد.

۱۰. آیت‌الله سید عزیزالله عمرانی مرتضوی

آیت‌الله عمرانی چند سالی است بر سر زبان‌ها افتاده است و اعلام مرجعیت کرده است. ایشان از کجاب بهسود است. (متأسفانه نتوانستیم به زندگی نامه ایشان دسترسی پیدا کنیم).

۱۱. آیت‌الله محمدباقر فاضل بهسودی (۱۳۳۵ش)

ایشان بیش از بیست سال از اعضای استفتائات دفتر آیت‌الله محقق بود و پس از رحلت آیت‌الله کابلی، اعلام مرجعیت کرد و دفاتر مرجع فقید را تحویل گرفت.

۱۲. آیت‌الله واعظ زاده بهسودی (۱۳۴۲ش)

آیت‌الله واعظ زاده بهسودی، مجتهد نواندیش، نویسنده و سخنران توانمندی است. ایشان نیز پس از رحلت آیت‌الله محقق، در تاریخ ۱۳ سرطان / تیر ۱۳۹۸ش، اعلام مرجعیت کرد و در همایش بزرگ از رساله عملیه او رونمایی شد. او در این مراسم، «منشور مرجعیت» را به خوانش گرفت. این منشور، با دقت فراوان، توسط ایشان، تهیه شده بود و در آن به نقش تاریخی و علمی

مجتهدان خراسان بزرگ در پیشرفت تشیع و بالندگی حوزات علمیه پرداخته شده بود. (۴)

باتوجه به آن‌چه تاکنون از نظر گذشت، چند نکته را باید یادآوری کرد:

۱. شیعیان افغانستان در حدی از آگاهی و حضور در معادلات سیاسی و اجتماعی رسیده‌اند که ضرورت داشتن مراجعی از خود را هویدا ساخته‌اند. قطعاً این ضرورت باتوجه به انزوای سیاسی و اجتماعی شیعیان در گذشته احساس نمی‌شد.

۲. علمای شیعه افغانستان نیز به این حدی از خودباوری رسیده‌اند که ضمن فتح قله اجتهاد، اعلام مرجعیت کرده و به نیازمندی‌های دینی، سیاسی و اجتماعی شیعیان این سرزمین رسیدگی کنند.

۳. علمای مجتهد افغانستان در گذشته‌ها از مناطق مختلف، مانند آیات بزرگان: (سید محمدحسن رئیس یکه‌اولنگی، امین افشار، عزیزالله غزنوی، اوحدی قره‌باغی، آخوند کوه‌بیرونی، سید ابوالحسن فاضل و...) کم نبودند و هر کدام به آسوالی‌های خود رفتند و مدرسه علمیه ساختند. یا شخصیت‌های مانند آیت‌الله مالستانی رساله نوشت؛ اما پشتوانه سیاسی و اجتماعی نداشت و نتوانست در برابر فشارها تاب بیاورد. این‌جا است که نقش شهید مزاری در تثبیت مرجعیت در افغانستان خود را نشان می‌دهد. بنابراین، بایسته و شایسته است نام و راه آن سفرکرده چراغ راه ما باشد. □

منابع

بنیاد اندیشه

۱. اعتمادی، عوض‌علی، سخن صبا، سال پنجم، ش ۱۷، بهار ۱۳۹۴.
۲. بروشور زندگی نامه آیت‌الله العظمی محقق کابلی، منتشر شده در چهلم رحلت معظم له
۳. دانشنامه هزاره، زیر نظر شورای علمی، چاپ اول، ۱۳۷۹، کابل: بنیاد دانشنامه هزاره.
۴. سایت الشیعه <http://farsi.al-shia.org> با عنوان «شهید آیت‌الله سید محمدسرور واعظ بهسودی»
۵. سایت آیت‌الله فیاض؛ <http://alfayyadh.org/fa>

۶. سایت آیت الله سید محسن حجت؛
<http://hojjat.org/fa>
۷. سایت شفقتنا؛
<https://af.shafaqna.com/FA/335876>
۸. الفتلاوی، کاظم عبود، مشاهیر المدفونین فی الصحن العلوی الشریف (جلد ۱)، نجف اشرف، ۲۰۰۰.
۹. کیانی، محمدفاضل، شوکت علی محمدی شاری و محمد علی افتخاری آریان پور، غزنی؛ بستر تمدن شرق اسلامی، تهران، عرفان، ۱۳۹۳.
۱۰. ناصری داوودی، عبدالمجید، مشاهیر تشیع در افغانستان، چاپ اول، ۱۳۷۹، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(ع)
۳. مصاحبه نگارنده با حاجی کاظم یزدانی، مورخ و پژوهشگر در تاریخ ۲۵ عقرب ۱۳۸۶ در کابل.
۴. مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۱، ص ۶۶.
۵. عوض علی اعتمادی، سخن صبا، سال پنجم، ش ۱۷، بهار ۱۳۹۴، ص ۹۱
۶. مشاهیر المدفونین فی الصحن العلوی الشریف، ج ۱، ص ۳۲۰.
۷. مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۱، ۱۷۷
۸. همان، ص ۲۰۲.
۹. همان، ص ۲۰۴ و سایت الشیعه - <http://farsi.al-shia.org> با عنوان «شهادت آیت الله سید محمد سرور واعظ بهسودی»
۱۰. بروشور زندگی نامه آیت الله العظمی محقق کابلی، منتشر شده در چهلم رحلت معظم له؛ مشاهیر تشیع، ج ۱، ص ۱۶۹.
۱۱. سایت آیت الله فیاض <http://alfayyadh.org/fa>؛ غزنی، بستر تمدن شرق اسلامی، ج ۱، ص ۳۸۲.
۱۲. مشاهیر تشیع، ج ۱، ص ۱۶۴.
۱۳. دانشنامه هزاره، ص ۶۴۶.
14. <https://af.shafaqna.com/FA/335876>

پانوشت

۱. وبسایت آیت الله سید محسن حجت

<http://hojjat.org/fa>

۲. افغانستان در تاریخ شنبه ۱۸ عقرب / آبان

۱۳۲۵ ش / ۹ نوامبر ۱۹۴۶ م، به عضویت سازمان

ملل متحد درآمد.